

## ضرورت بررسی شاخص های معماری ایرانی - اسلامی در طراحی شهرهای نوین با استناد به تاریخ معماری ایران

آناهیتا قربانی: باشگاه پژوهشگران جوان، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
 راحله محرمی: باشگاه پژوهشگران جوان، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
 فربیا حامد نسیمی: کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، تهران، ایران  
 امیرحسین یعقوبی روشن: مدرس دانشگاه پردیس

### چکیده

شهر و شهرنشینی، امروزه از مهمترین موضوعات اجتماعی است که می تواند عناصر فرهنگی و کلیه فرایندهای ناشی از تاثیر انسان و محیط پیرامون او را دستخوش تغییر و تحول قرار دهد. شهر مفهومی مدنی دارد. و ساخت مدنیت و الگوهای توسعه شهری نیازمند رجوع به منابع دینی نظریه پردازی، الهام از گذشته و داشته و پیشینه تاریخی و متناسب سازی آن با نیازهای پیچیده و گوناگون انسان معاصر است. طراحی معماری الگوگرا گرایشی با تاکید بر شناخت، تداوم و الهام از الگوها در ساختارهای نوین، جایگاه بالایی داشته است. برای ساخت بناهای مذهبی و غیر مذهبی می باستی از علائم هندسی و ریاضی و طراحی استفاده نمود. کاردان در طی قرن های متمادی با بهره گیری از این علوم توانسته اند شاهکارهایی در هنر معماری بوجود بیاورند. آثار معماری به عنوان نمادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک کشور شناخته می شوند. تمدن های تاریخی نخست از طریق همین آثار معماری شناخته می شوند. ساختمان هایی چون تخت جمشید، اهرام ثلاثه مصر، کالاسیوم روم از جمله چنین آثاری محسوب می شوند. آثاری که پیوند دهنده مهم خودآگاهی های اجتماعی بوده اند. شهرها، مذاهب و فرهنگ ها از طریق همین یادواره ها خود را می شناسانند. بر همین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ضرورت و شاخص های معماری ایرانی - اسلامی در طراحی شهرهای نوین با استناد به تاریخ معماری ایران با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی می باشد. و بررسی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی و مقایسه آن با اصول توسعه پایدار شهری است تا مشخص کند که معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی با توسعه پایدار همخوانی دارد یا خیر؟ همچنین توجه به ابعاد زیست محیطی در طراحی فضای شهری با توجه به معماری و شهرسازی سنتی ایران اسلامی و بررسی و دستیابی به تمایز و ویژگی های مشترک بین این دو مقوله در اجرایی نمودن معماری و شهرسازی پایدار می باشد که این اهداف را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

**واژگان کلیدی:** معماری و شهرسازی، توسعه پایدار، شهرسازی ایران - اسلامی

## ۱- مقدمه

در مورد پیدایش شهرها مطالعات مختلفی انجام شده، ولی ابعاد این تحقیقات مکمل یکدیگر نیستند و مطالعات صرفاً جزئیات را به صورت مستقل و جداگانه مورد بررسی و توجه قرار داده و رابطه این اجزاء را با مجموعه کلی در نظر نگرفته‌اند، بخش مهمی از تحقیقات انجام شده، در سطح توصیف باقی مانده‌اند، بررسی‌های صورت گرفته چندان تحلیلی نیستند و غالباً نگرش آن‌ها به شهر اسلامی، مقاطع خاصی از تاریخ و مکان‌های خاصی را در بر گرفته است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فکری، فلسفی، هنری، صناعی و تولیدی تمدن‌ها و جوامع بشری شهر است که هم از ماندگاری نسبی برخوردار می‌باشد، هم تجلی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است و هم اینکه بر رفتار انسان اثر می‌گذارد و ضمن آنکه بیانگر هویت جامعه در انظار جهانیان و تاریخ است (نقی زاده، ۱۳۷۷: ۵). در گذشته که روند تغییر و تحولات و رشد شهرها به کندی صورت می‌گرفت و امکانات و تنوع ابزارها و مصالح ساختمانی و فناوری و نیز سلاقی محدود بود، نظام عرفی و فرهنگی رایج به خوبی عمل می‌کرد و محصول آن شهرهایی با شکل و سیمای موزون و پایدار بود (صالحی، ۱۳۸۵: ۵۲). ساختن محیط در طول تاریخ از اشکال اصلی بیان فرهنگی بوده که هم زمان راه‌های فنی شکل سرپناه، حساسیت‌های هنری، ارزش‌های زیباشناسی و باورهای دینی را نیز منعکس می‌کند (وئوئوک و پشوتنی زاده، ۱۳۸۵: ۲۵). با این وجود مذهب نیز می‌تواند به واسطه افراد ساکن، دخالت خود را در مکان و کالبدهای فضایی نشان دهد که اسلام نیز در قالب شهر اسلامی نمودهای خود را به نمایش گذاشته است (بحرینی، ۱۳۸۷: ۴۱).

امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در محافل علمی، توسعه پایدار است که بر اکثر وجوه کنفرانس‌های علمی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی سایه افکنده است و جزء جدایی‌ناپذیر توسعه در هر سطح و زمینه‌ای به شمار می‌رود. توسعه پایدار، روندی است که بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری را به سوی عدالت اجتماعی پیش می‌برد. در همین راستا، برنامه‌ریزی شهری به طور اعم و برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهرها به طور اخص، در پی نظم‌بخشیدن به فضاهای شهری، از لحاظ دسترسی به امکانات و خدمات شهری و توزیع مناسب کاربری‌های مختلف شهری است. به عبارت دیگر، در پی فراهم‌ساختن بهترین شرایط زیست و روابط مناسب بین کاربری‌های مختلف برای ساکنان شهری است. کاهش فقر و نابرابری و تکیه بر اصل عدالت اجتماعی و برابری جغرافیایی از اقدامات اساسی توسعه پایدار شهری است (نسترن و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۴). مفهوم توسعه پایدار به معنی ارائه راه‌حلی در برابر الگوی سنتی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه است که بتواند از بروز مسائلی چون نابودی منابع طبیعی، تخریب بوم‌سامانه، آلودگی، افزایش افسار گسیخته جمعیت، رواج بی‌عدالتی و کاهش کیفیت زندگی انسانها جلوگیری کند (صالحی فر، ۱۳۸۹: ۱۵۰). عده‌ای با لحاظ کردن مفهوم عدالت، توسعه پایدار را مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی قلمداد کرده‌اند که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی جهانیان و نه برای تعداد اندکی از افراد برگزیده به ارمغان می‌آورد (رحمانی، ۱۳۷۲). در تئوری‌های مربوط به توسعه یافتگی سرزمین‌ها، توجه بیشتر به ابعاد فرهنگی است. زیرا هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین پردازش به فرهنگ و ارزش‌های انسانی عامل گرایش هرچه بیشتر جامعه به سوی عدالت اجتماعی گردیده و مساوات بزرگ انسانی را در جامعه حاکم می‌نماید. مساواتی که انکار استعدادهای فکری و روحی را کاری کاملاً بی‌ربط دانسته و برای استعدادها و تلاش انسان‌ها ارزش لازم را قائل است زیرا پرورش استعدادها و شایسته‌سالاری در جامعه سبب ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی گردیده و زندگی بهتر و انسانی‌تری را برای جمعیت فراهم می‌آورد (طبیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۸۰). هرچند توسعه پایدار اصطلاحی است که در چند دهه اخیر مطرح شده است و در گذشته مطرح نبوده اما با بررسی و مقایسه شاخص‌های آن با ویژگی‌های معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی که بیشتر در گذشته نمود داشته است می‌توان یک بررسی مقایسه‌ای انجام داد و ویژگی‌های توسعه پایدار را با آن تطبیق داد و به نتیجه رسید که آیا معماری و شهرسازی ایران-اسلامی با پایداری شهری تطابق دارد یا خیر. پژوهش حاضر با هدف بررسی ضرورت شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی در طراحی شهرهای نوین با استناد به تاریخ معماری ایران تحلیلی بر ویژگی‌های معماری و شهرسازی ایران اسلامی از دیدگاه توسعه پایدار را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. لذا سوال اصلی تحقیق این است که آیا معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی با معیارهای توسعه پایدار شهری همخوانی دارد یا خیر؟ که در ادامه به آن پاسخ خواهیم داد.

## ۲- بیان مسأله

طی قرن اخیر تغییر و تحول عظیمی در شهرهای کشورهای اسلامی مشاهده می‌کنیم. از قرن ۱۹ به بعد کمتر شهری با ویژگی‌های خاص اسلامی-شرقی و بدون نفوذ تمدن غربی می‌توان در جهان اسلام پیدا کرد. استعمار انگلیس، فرانسه، روس و الگوهای فرهنگی-اجتماعی، تکنولوژی‌ها و طرح‌های جدید شهری برگرفته از غرب، نفوذ قابل توجهی در جهان اسلام داشته و تغییرات و دگرگونی‌های عظیمی در کالبد شهرهای جهان اسلام پدید آورده است. مطالعه شهرهای کشورهای اسلامی بیانگر این واقعیت است که اغلب آن‌ها به دو بافت جدید و قدیم تقسیم شده‌اند و مرز آن دو با یکدیگر قابل تشخیص است. لذا در مطالعات شهرهای جهان اسلام به ویژه شهرهای بزرگ تاریخی برای شناخت هویت، شاخص‌ها و عناصر شهرهای جهان اسلام باید به مطالعات انجام شده درباره بافت قدیم شهرهای مذکور توجه بیشتری بنمائیم. در این مقاله سعی داریم برای شناخت ماهیت، اصول، ارکان و عناصر شهرهای کشورهای اسلامی به بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مطرح‌شده بپردازیم.

قابل ذکر است با توجه به اینکه دیدگاه‌های ارائه شده درباره شهر در حوزه فرهنگ اسلامی قطعی و مسلم نیست. لذا مدل و الگوی شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی نیاز به بازشناسی و تحلیل دارد. در این مقاله ضمن مرور نظریات و الگوهای ارائه شده درباره نحوه پیدایش و علل شکل‌گیری شهرهای کشورهای اسلامی، نظریات و دیدگاه‌های مختلف از جمله دیدگاه کالبدی و ساختار فیزیکی بررسی شده است. هدف عمده این مطالعه شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرهای کشورهای اسلامی و بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط و همچنین ضرورت بررسی شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی در طراحی شهرهای نوین با استناد به تاریخ معماری ایران می‌باشد تا باب جدیدی برای تحقیق بیشتر گشوده شود.

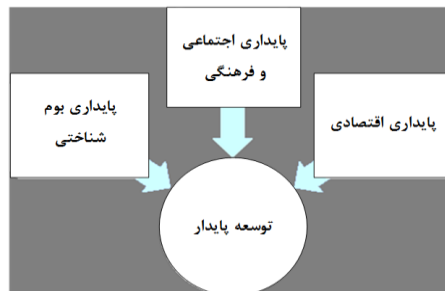
## ۳- مبانی نظری پژوهش

### ۳-۱- توسعه پایدار<sup>۱</sup>

تا اواسط قرن بیستم، برنامه ریزی توسعه عمران به طور ضمنی بر این پیش فرض استوار بود که رشد و توسعه و بهره برداری از محیط طبیعی حدود مرزی ندارد و کره زمین از امکانات بی پایانی برای حفظ و بازسازی خود برخوردار است اما تحقیقات دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی در دهه ۱۹۶۰ نشان دادند که امکانات رشد و توسعه در روی کره زمین محدود است و با ادامه روندهای جاری، موجودیت زمین و انسان در خطر نابودی قرار خواهد گرفت انتشار گزارش باشگاه رمدر سال ۱۹۷۵ یک هشدار جهانی بود که به پنج روند مخاطره آمیز اشاره داشته:

۱. صنعتی شدن شتابان
۲. رشد سریع جمعیت جهان
۳. سوء تغذیه گسترده
۴. از بین رفتن منابع تجدید ناپذیر طبیعت
۵. تباهی محیط زیست

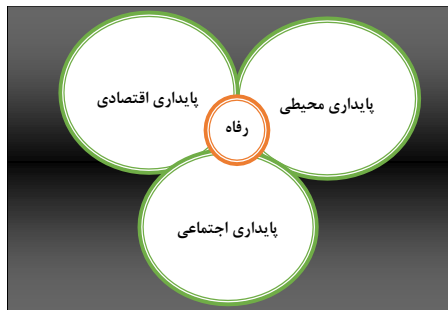
به دنبال این آگاهی در دو دهه اخیر است که مباحث و مسائل مربوط به محیط زیست ابعادی فراتر از ابعاد علمی و فنی پیدا کرده و به صورت نوعی فلسفه اجتماعی و جنبش جهانی در آمده است (مهدی زاده، ۱۳۸۵ ص ۵۰). با اوج گرفتن نگرانی از عواقب فعالیت های انسانی برای کره زمین بر پایه قطعهنامه مجمع عمومی سازمان ملل در اواخر سال ۱۹۸۲، کمیسیون جهانی جهت بررسی جامع مسائل زیست محیطی و توسعه جهانی تشکیل شد. در پی پژوهش ها و گفت و شنودهای بین المللی، این کمیسیون گزارش نهایی خود را تحت عنوان «آینده مشترک ما» در نیمه سال ۱۹۸۷ م. منتشر کرد و از آن پس واژه «توسعه پایدار» که بحث محوری این پژوهش را تشکیل می داد، مقبولیت و رواج گسترده ای یافت. «کنفرانس زمین» که با گردهمایی بیشترین سران کشورها جهان نسبت به هر کنفرانس دیگر در قرن حاضر، در سال ۱۹۹۲ در ریدوژرانیرو برگزار شد، بازتاب طرح مسئله و پیشنهاد همین گزارش بود (صراف، ۱۳۷۵ ص ۳۹). کمیسیون براندند توسعه پایدار را برآوردن نیازهای کنونی بدون کاهش توانایی های نسل های آینده در برآوردن نیازهایشان تعریف نموده است و بر سه عامل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی استوار است شکل (۱).



شکل (۱) ابعاد مختلف توسعه پایدار (منبع: نگارندگان)

### ۳-۲- شهر پایدار<sup>۲</sup>

به علت تمرکز پیوسته روبه رشد جمعیت و فعالیت های اقتصادی در مراکز شهری، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، پایداری توسعه شهری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (drakakis-smit, 1995). شهر پایدار شهری است که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد زایعات، بازیافت مواد زاید تا حد امکان قادر به ادامه حیات خود باشد. شهر پایدار جانشین موجه و معقول برای شهرسازی مخرب قرن بیست است و در آن به موازات توجه به مسائل زیست محیطی و مسائل اجتماعی و انسانی نظیر مسکن مناسب و زندگی حداقل نیز توجه می شود (بحرینی، ۱۳۷۶ ص ۲۸/۲۹). شهر پایدار شهری است که در آن سه شرط اساسی زیر درست باشد:



شکل (۲) انواع پایداری برای تامین آسایش و رفاه پایدار - منبع: نگارندگان

<sup>۱</sup> - sustainable development

<sup>۲</sup> - Sustainable City

جدول (۱): اصول اساسی مولفه های توسعه پایدار شهری

اصول اساسی	مولفه های اساسی توسعه پایدار شهری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- جلوگیری از تخریب محیط زیست</li> <li>- جلوگیری از گرم شدن زمین</li> <li>- جلوگیری از آلودگی هوا</li> <li>- جلوگیری از آلودگی صوتی</li> <li>- جلوگیری از آلودگی آب</li> <li>- استفاده بهینه در مصرف آب</li> <li>- حفظ محیط زیست شهری</li> <li>- توسعه فضای سبز شهری</li> <li>- استفاده از انرژی تجدید پذیر</li> <li>- کاهش حجم حمل و نقل شهری</li> <li>- کاهش سهم انرژی در توسعه شهری</li> </ul>	پایداری زیست محیطی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدالت اجتماعی و رفاه انسانی</li> <li>- افزایش کیفیت زندگی</li> <li>- مشارکت شهروندان در تصمیم گیری</li> <li>- کاهش فساد اداری</li> <li>- توزیع عادلانه فرصت ها</li> <li>- سلامتی و بهداشت عمومی</li> <li>- ایجاد اشتغال</li> <li>- کاهش معضلات اجتماعی</li> <li>- دسترسی همگان به اطلاعات</li> </ul>	پایداری اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش فقر</li> <li>- افزایش بهره بری</li> <li>- کاهش هزینه</li> <li>- نبود فساد اقتصادی</li> <li>- صرفه جویی در وقت و انرژی</li> <li>- درآمد پایدار</li> <li>- امنیت اقتصادی و اقتصاد پویا</li> </ul>	پایداری اقتصادی

مأخذ: (سرفرازی، معمارزاده، ۱۳۸۶، ص ۷)

- نرخ استفاده از منابع تجدید پذیر ۱ از تجدید پذیر آنها تجاوز نکند.
- نرخ استفاده از منابع غیر قابل تجدید پذیر ۲ از نرخ لازم برای توسعه پایدار جانسین تجاوز نکند.
- نرخ انتشار آلودگی از ظرفیت و توانایی جذب آلودگی توسط محیط تجاوز ننماید (Klaus spiekerman et al, 2003). شهر پایدار شهری است که در آن روابط منطقی میان محیط، عوامل اقتصادی و اجتماعی به خوبی مراعات گردد. به عبارت دیگر در گرو ارتباط متقابل و تنگاتنگ سه عامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی یک شهر پایدار ایجاد می شود (رحیمی، ۱۳۸۳).

#### ۴- بنیان های شهر اسلامی

ویژگی های بناها و شهرها، در یک جامعه، از عناصر فرهنگی آن مایه می گیرد و به تدریج، خود، در بافت فرهنگی مردم رسوخ می کند. از طرفی احکام فقهی، قوانینی در زمینه ساخت و ساز بناسازی شهری را مظم کرده و سروسامان می دادند. این احکام از مفاهیم اصیل اسلامی از قبیل حق مالکیت خصوصی و آزادی تصرف در آن ها و ایجاد تغییراتی برگرفته شده اند. و این آزادی، آزادی مطلق نیست بلکه حد و مرزی دارد که از حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار» سرچشمه می گیرد. در همین چارچوب محدودیت هایی برای شکل ظاهری بناهای شهرهای اسلامی وضع شد که به موجب آن شکل ظاهری بنا باید به گونه ای می بود که در عین رعایت حق تصرف برای مالک، موجب آزار رسانیدن به دیگران نمی شد. در قرار گرفتن بازارهای شهر در خیابان های اصلی مشاهده می شود که بازار می بایستی مزاحمتی برای محله های مسکونی ایجاد نکند. این مقررات موارد زبان و ضرر و مزاحمت را در سه چیز خلاصه کی کرد: دود، بوی بد و صدای ناهنجار. و همین امر باعث شد تا کارگاه های صنعتی مزاحم را به خارج از محدوده شهر و به محل هایی که وزش باد بوی بد و یا دود از این کارگاه ها را به شهر هدایت نکند، منتقل نماید (اخوت، الماسی فر، بمانیان، ۱۳۸۹: ۸۱ و ۸۰).

<sup>۱</sup> - Renewable resources  
<sup>۲</sup> - Non-renewable resources

جدول(۲): بنیان های شهر اسلامی

مشخصه های شهر اسلامی	توضیح
فضای کالبدی	فضا تنها یک قالب نیست بر اساس دیدگاه اسلام جسم ظاهری انسان را مرکبی برای روح بزرگ او خلق کرده است.
جهت کالبدی فضا	در باب کالبدی جهت یابی دقیق، محاسبه و نقشه برداری صحیح و همچنین برخورد فیزیکی آب و خاک، مهمترین شاخص فضاها و وسیع شهرهای اسلامی است.
مسجد و مسجد جامع	محور اساسی شهر
مدارس	بالاترین فضیلت مسلمین
استحکام و ثبات	امام صادق می فرمایند: هر که با کاستن مواد، ساختمانی می سازد به او پاداش داده نمی شود.
باغ	شهر نیکوی خدا
زیبایی	دوست خدا
نظم و تقارن	اساس آفرینش
امنیت	امنیت زندگی = سلامت جامعه

ماخذ: (نگارندگان)

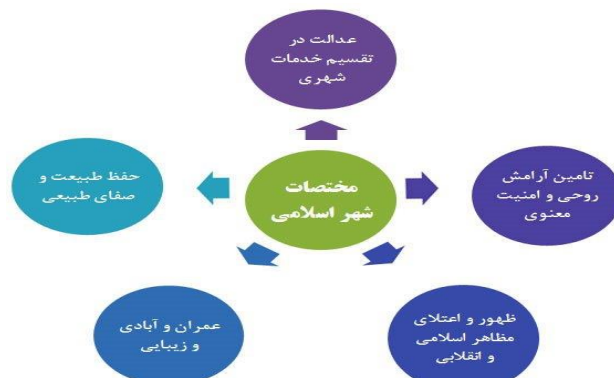
جدول(۳): عناصر شهری در پهنه مدینه و ریض

عناصر شهری	توصیف و توضیح مختصر
مدینه	مجموعه شهری یا شهر
قصبه	اقامتگاه های دارای استحکامات(قلعه فرمان روایان)
ریض	حومه واقع در منطقه بلافصل بخض قدیمی تر مرکزی مدینه
سور	دیوارشهر(بارو)
باب	دروازه شهر
برج	برج دارای استحکامات
شارع	خیابان سراسری عمومی
بطحاء/ ساح	میدان یا مکان عمومی، این عناصر معمولاً در تقاطع سه خیابان ایجاد می شوند و در تونس مقص می نامند.
مصلی	فضای باز وسیعی برای برگزاری نماز عید در مجاورت مدینه
مقبره/ جبانه	گورستان عمومی
خزان/ ماجل	امکانات عمومی بزرگ ذخیره سازی/ آب منبع آب خصوصی
خندق	مسیر اصلی فاضلاب یا خندق شهر
محله	محله شهری
حومه	واژه ای که در تونس به کار می رود.
خطبه	واژه ای که در مصر به کار می رود.

ماخذ: (نگارندگان)

## ۵- سیما شهرهای اسلامی

استاد احمد اشرف در خصوص سیمای شهرهای اسلامی می گوید: «شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند دو پایه اصلی داشت: یکی مسجد جامع و دیگری بازار. بنای مسجد جامع به عنوان مرکز روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ آن، در محل مناسبی در کنار شاهراه اصلی، در محوطه بزرگ مستطیلی شکلی، بنا می شد. در کنار مسجد جامع مرکز اصلی دولتی جای داشت که قرارگاه فرمانروا یا نایبان آن بود. در سوی دیگر مسجد جامع و گاهی گردادگرد آن بازارها قرار داشتند(اخوت، الماسی فر، بمانیان، ۱۳۸۹: ۷۲).



شکل(۳): مشخصات شهر اسلامی - منبع: نگارندگان

## ۶- معماری و شهرسازی سنتی ایران - اسلامی

مکان اسطوره ای بی زمان است و در زمان "حال" جریان دارد، معماران و مردم گذشته در پی تکرار تاریخ نبوده اند، بلکه گذشته در حال جریان داشت و از حال می گذشت و به آینده می پیوست. بدین ترتیب طراحان و معماران سنتی ایرانی در یزد، اصفهان، کاشان، کرمان و... در پی تکرار الگوی تاریخی نبوده اند، بلکه گذشته در حال وجود داشت و گویی الگویی ازلی و ابدی طرح شده بود، و آنان آگاهانه یا نا آگاهانه آن را ادامه دادند (صارمی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). معماری سنتی ایرانی به ویژه خانه های سنتی مناطق کویری، در جستجوی نظمی بر اساس بهره وری از مواهب طبیعی را می تواند در محدوده زیست فراهم آورد بدون آنکه خلوت زندگی برهم خورد (قرلباش، ۱۳۶۴: ۸). یک امر کلی که تقریباً در رابطه با معماری و شهرسازی ایرانی صدق می کند، همگونی آن با عوامل اقلیمی است. این مطلب را در تمام اقلیم ها و مناطق ایران، می توان به وضوح مشاهده کرد. بافت شهری، فرم و نوع مصالح در هر یک از این مناطق در تطبیق کامل با شرایط اقلیمی می باشند (قبادیان، ۱۳۸۲: ۲). اقلیم گرم و خشک مناطق کویری ایران، در شکل و بافت شهرها و ترکیب معماران آن نقش عمده ای داشته است و در طول هزاران سال، مردم برای حل این مشکلات اقلیمی به راهکارهایی دست یافته اند که به صورت حیرت انگیزی جنبه های آزار دهنده آب و هوایی را کاهش می دهد و آسایش را در زندگی جاری می کند (توسلی، ۱۳۸۱: ۲۱). ساختار شهرهای تاریخی ایران در اقلیم گرم و خشک دارای ویژگی های مشترکی است که این ساختار مشترک به دلیل تاثیر ساختار فرهنگی، اجتماعی و از سوی دیگر، تحت تاثیر شرایط آب و هوایی این مناطق در ساختار شهر و شکل گیری آن تاثیر گذار بوده است (توسلی، ۱۳۸۱: ۶۰).

## ۷- کالبد شهرهای اسلامی

از سال های پس از جنگ جهانی، نیویورک مظهر شهر مدرن و مرفه است که مرکزیت آن با امر تجارت و بورس و ثروت اندوزی و نقل و انتقال میلیاردها دلار در روز اس. وال استریت قلب تپنده ی نیویورک و البته جهان مدرن امروزی است. در حول این هسته مرکزی دارهای مدرن یعنی مراکز تمدنی تسهیل گر شکل گرفته است. مراکز قمار و تفریح، فحشا بازی، موسیقی سهل است که به دلیل بسط تمدن اکنون به این مهم نه یک مرکز بلکه یک شهر بزرگ اختصاص داده اند یعنی لاس و گاس با صدها کازینو و فاحشه خانه مراکز خوردن، مراکز قدرت، مراکز رسانه ای و... البته برج ها به نشانه طاغوتیت انسان آمریکایی مدرن سر به فلک کشیده اند و تا شده است، آسمان را خراشیده اند. با توجه به آنچه گذشت روشن است که شهرهای سنتی و مدرن هر دو مرکزیت دارند و نسبت به یک غایت بهینه اند، شهرهای سنتی برای عبادت و تسلیم و حیات بهینه شده اند و شهرهای مدرن برای ثروت و طغیان و سوژگی و تصرف و رفاه و لذت و شهوت بهینه می شوند، اصفهان روزگاری بزرگ ترین باغ شهر زمین بود و امروزه نیویورک بهشت برین انسان ثروت اندز جهان مدرن است.

جدول (۴): مرکز شهرها در دوره های مختلف شهرنشینی

نام دوره	مرکزیت	پیرامون
یونان (۴۰۰ ق.م تا ۳۰ ق.م)	آگورا	کاخ، سنا، معابد شهری، سالن، تئاتر و ...
روم (۳۰ ق.م تا ۵۰۰ ق.م)	فوروم	کاخ، سنا، معابد شهری، سالن، تئاتر، گلاباتورها، حمام ها، پادگان ها و...
قرون ایمان مسیحی (۵۰۰ تا ۱۵۰۰ م)	کلیسا- کاخ	خانه های کشاورزان، زمین های زراعی (ترکیب شهر به شهرهای اسلامی بسیار نزدیک است)
رنسانس (۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ م)	میدان تجمع (شهرداری- بازار)	کلیسا، کاخ، مزارع، مجسمه ها و بازگشت نمادهای یونانی و رومی
باروک (۱۶۵۰ تا ۱۷۰۰ م)	کاخ ها	شهرداری، بازار، کلیسا، مزارع
عصر روشنگری (هم عرض دوران باروک)	میدان- شهرداری	بازار، کارگاه ها، کلیسا
قرن نوزدهم	کارخانه	خانه های کارگری و محلات فقیرنشین، خانه های سرمایه داران، کلیسا
قرن بیستم تا جنگ جهانی دوم	کارخانه	برج، ایستگاه، قطار، مترو، بانک، تئاتر، سینما، پست، تلگرافخانه، بیمارستان، خیابان مخصوص خودرو و تمامی نهادهای مدرن شهرنشینی
پس از جنگ جهانی تا کنون	مراکز مالی و تفریحی	برج، بزرگ راه، مترو، کازینو، بانک، بیمارستان، دانشگاه، مراکز ارتباطی و...

مأخذ: (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷)

## ۷-۱- مصالح ساختمانی استفاده شده در معماری اسلامی

آجر از مهمترین مصالح ساختمان در ایران قبل و بعد از اسلام بوده آجر های بکار رفته شده در معماری عموماً مربع شکل هستند از انواع آجر در رنگهای مختلف و در ابعاد مختلف و در قسمت های مختلف از بنا ها استفاده می شده است.

((گچ))

در تمام ادوار از گچ به دلیل ارزان قیمت بودن و زود سفت شدن در معماری استفاده می شده و کاربردهای متعددی داشته است برای آراستن سطوح داخل بناها نوشتن کتیبه ها تزئین محرابها و... از گچ استفاده می شده است. اهمیت گچ بری در بناهای اسلامی به حدی بود که هنرمندان این رشته به ((حصاص)) معروف بودند و نام بسیار از آنها در کتیبه های بناها به یادگار مانده.

((کاشی))

استفاده از کاشی برای تزئین و استحکام بخشیدن به بناها از دوره سلجوقی آغاز شد و در طی قرون متمادی بویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج رسیده کاشی نقش عمده ای در تزئین بناهای دوره اسلامی داشت و با شیوه های متفاوت توسط هنرمندان کاشیکار به کار می رفت برای تزئین از کاشی های یک رنگ، هفت رنگ، معرق در دوره سلجوقی و ایلخانی تیموری و صفوی استفاده می شد بخش هایی از بنا همانند نبد و مناره سطوح داخل دیوارها و محراب با کاشی های مختلف تزئین می شده مانند مساجد گناباد، گوهرشاد - مسجد کبود (تبریز) مسجد شیخ لطف اله و مسجد امام (اصفهان).

((خشت))

از مصالح معمول در معماری است در دوره اسلامی یا تمامی بنا از خشت بوده یا بخشی از دیوار از خشت و بقیه از آجر بوده است. از آنجایی که مقاومت خشت در برابر باد و باران و برف اندک است بناهای خشتی زیادی از روزگاران گذشته باقی نمانده است.

((سنگ))

در معماری اسلامی از سنگ برای کار در شالوده، بدنه، فرش کردن کف و تزئین بنا استفاده می شد بهره گیری از سن تقریباً در سراسر ایران مرسوم و متداول بوده برای ساختن کتیبه سنگهای گوناگونی چون سنگ سیاه سنگ آهک، سنگ مرمر به کار می رفت مانند کاروانسرای مرند و کتیبه های مسجد میدان کاشان.

((چوب))

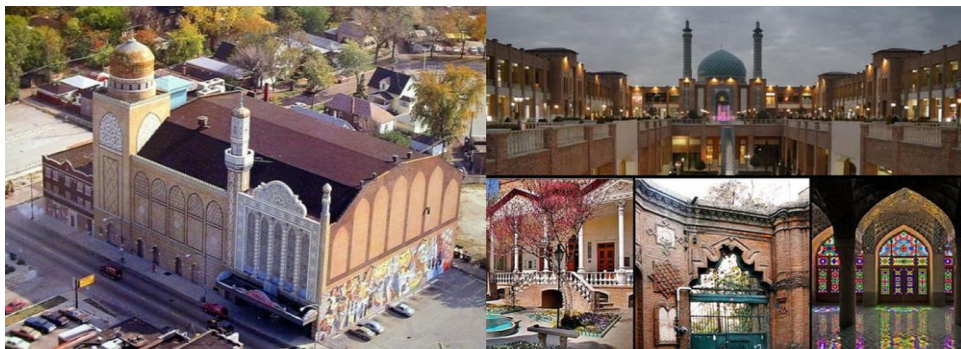
استفاده از چوب برای ساختن در، پنجره، صندوقهای ضریح، ستونها و تیر سقف و چهارچوب از ویژگیهای معماری اسلامی است که در ناحیه مازندران و گیلان رواج بیشتری داشته است درختهای تبریزی، سپیدار، چنار، کاج و گردو از جمله درخت هایی بودند از چوب آنها برای بخش های گوناگون بنا استفاده می شده است. مسجد جامع ورامین ارگ علیشاه در تبریز امامزاده صالح مناری از این نمونه های هستند.

((شیشه))

از شیشه های الوان به رنگهای سرخ، آبی، بنفش و سبز برای تامین روشنایی و تزئین در و پنجره و قابهای گنبد خانه ها و شبستان ها استفاده می شد شیشه دارای کاربرد وسیعی بوده مانند عالی قاپو اصفهان مسجد نمادی بی نظیر از معماری اسلامی و نمایشگاهی از هنر اسلامی است. اسلام عالی ترین شکل هنر را در معماری و بویژه معماری مساجد به نمایش گذاشته است، از طریق معماری اسلامی، جلوه هایی عظیم از شکوه اسلام عرضه می شود که هر بیننده ای را جذب کرده و تحت تأثیر قرار می دهد. معماری مساجد از این امتیاز برخوردار است که عناصر معنوی خاص و متفاوتی، بر بار شکوه اجلائی آن می افزاید، بنابراین موقعیت ممتاز، فرا محلی و جهانی بدست می آورد و به همین دلیل، دانشمندان، مشتاقان جلال و جمال، اسلام شناسان و حتی غیر مسلمانان، همه ساله از گوشه و کنار جهان، برای دیدار مساجد، به کشورهای اسلامی، از جمله ایران، سفر می کنند تا از نزدیک در اعماق زلال زیباترین انواع کاشی های هفت رنگ و دلفریب، مقرنس سازی های موزون و... غور کنند و بهره های فلسفی، علمی، هنری و اجرایی ببرند که بی تردید این جذب و کشش، نشأت گرفته از مبانی عمیق عقیدتی اسلام است.

معماری مساجد، شناسنامه هنرمندان مسلمان در هر دوره از تاریخ است. در مساجد، دین با هنر ملاقات می کند و مهمترین نمودهای هنر اسلامی، در معماری این اماکن تجلی می یابد. صرف نظر از اینکه مساجد، محل تزکیه مؤمنین هستند، این بناهای با شکوه، در چشم هر مورخ نیز شایسته آن است که "نمایشگاههای هنر اسلامی" نامیده شوند.

جلوه های بسیاری از معماری و هنر اسلامی در مساجد دیده می شود، این معماری و هنر آمیخته با مهندسی، گچبری، آجرکاری، موزائیک سازی، کاشیکاری، سفالگری، سنگ تراشی، مقرنس سازی، آئینه کاری، کنده کاری، منبت کاری، خاتم کاری، نگارگری، خوشنویسی، تذهیب، پرتو پردازی، فضالارائی، محوطه سازی و ... است که هر یک به تنهایی نمونه هائی از هنرمندی های بی بدیلی است که توسط عاشقان "الله" در این مکانهای معنوی انجام می شود. از آنجا که "هنر" با "نماد" همراه و همواره تکمیل کننده یکدیگر هستند و در کنار یکدیگر قرار می گیرند، بنابراین مجموعه هایی از هنر، که در مساجد بکار می روند، هر یک پیامی دارند که پی بردن به آنها در شناخت هنر اسلامی و ایرانی بسیار مؤثر خواهد بود. ساخت گنبد، محراب، گلدسته ها، ستونها و منبرها، هر یک به نوعی پیام خاص خود را به مخاطبان القاء می کنند. با دقت در این نمادها و پیامهای آنان متوجه خواهیم شد که این پیامها همگی جاودانی و عرفانی هستند. هنر اسلامی، در تمام زوایای زندگی ما مسلمانان ریشه دارد، بر خلاف برخی ملتها و ادیان که هنرشان در گوشه موزه ها و نمایشگاهها قرار داده شده تا بلکه کسی به دیدن آن برود. شک نیست که در طول نسل ها و قرون و اعصار مختلف، هنر اسلامی، نمایشگاهی پاک تر و امن تر از مسجد نشناخته است و گذر زمان به تکمیل و تزئین مسجد، با حفظ خصوصیات معنوی و محلی، کمک کرده است. بدیهی است، اگر ما در حفظ مساجد و هنرهای به کار رفته در آنها کوتاهی کنیم، آیندگان هرگز ما را نمی بخشند که چرا چنین گوهرها و هنرهای گرانبهائی جوشیده از متن مردم و دین را به آسانی و بدنبال تقلید از هنر غربی، از دست داده ایم. بناهای مذهبی، عینی ترین و روشن ترین پیام اسلام را در هماهنگی، تناسب، صفا و آرامش خود متبلور می سازند. هنر اسلامی در مساجد، در طول قرون و اعصار متممادی، محیطی فراهم آورده که در آن مسلمانان با به یاد داشتن دائمی خداوند و باعنایت و تأمل در باب زیبایی، که در نهایت فقط ناشی از خداوند است که به مفهومی مطلق زیبا است، زندگی و کار کنند. هنر اسلامی بطور مستقیم با روح قرآن و وحی اسلام مرتبط است و اجتناب آن از عرضه هر گونه صورت شمایل سازانه یا تمثال پردازانه از الوهیت به همین دلیل است.



شکل(۴): منظره میدان نقش جهان اصفهان و حرم مطهر امام رضاع) در مرکز شهر- منبع: (نگارندگان)

#### ۸- بررسی مفهوم پایداری در شهرسازی ایرانی- اسلامی

مفاهیم و اصول معماری شهرسازی ایرانی- اسلامی با مبانی و مفاهیم معماری پایدار مشابهاتی دارد که قابل تأمل است. اصولی که مرحوم استاد محمد کریم پیرنیا

برای معماری ایران تعریف کرده است (مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درون گرایی) نیز با مفاهیم و اصول معماری و شهرسازی پایدار هماهنگی بسیار دارد. مردم واری به معنی رعایت تناسب میان معماری و نیازهای مادی و معنوی و روش زندگی انسان، "مردم واری" باعث ایجاد تناسب و کیفیت فضایی بر مبنای نیازهای انسان و شرایط محیطی و دستیابی به آسایش انسان شده است. به گونه ای که در اتاق ها، حیاط ها و بسیاری از فضاها و عناصر معماری خانه های ایرانی دیده می شود. "پرهیز از بیهودگی" به معنی هدفدار بودن معماری و عدم انجام کار بیهوده باعث شده است که عناصر معماری ایران علاوه بر جنبه های تزئینی، دارای ویژگی های عملکردی و اقلیمی نیز باشد. که این مسئله در کاربردی زیر کنبدها و ارسی ها رعایت شده است. "نیارش" در معماری ایران باعث ایجاد عناصری شده که علاوه بر ساختار ایستا و مقاوم، دارای ویژگی های اقلیمی نیز هست مانند دیوارها، جرزها، طاق ها و گنبدها. "خودبسندگی" به معنی استفاده از منابع، امکانات و مصالح بومی باعث هماهنگی معماری و محیط و حداکثر استفاده از منابع تجدیدپذیر و عدم تجاوز به منابع و نیازهای آیندگان شده است. استفاده از خاک گودبرداری شده از حیاط و گودال باغچه در ساخت خشت و گل و احداث بنای خانه بر همین اصل استوار بوده است. "درون گرایی" در معماری ایرانی به معنی حفظ فضاهای درونی از شرایط بیرون و سازماندهی درونی فضاهای معماری، درونگرایی علاوه بر اینکه ریشه در باورهای فرهنگی و آیینی ایران دارد به شرایط محیطی و اقلیمی نیز وابسته است. که باعث عناصری مانند حیاط مرکزی، گودال باغچه و بسیاری از عناصر وابسته به آن شده است (پیرنیا ۱۳۸۳: ۲۶).

جدول (۵): اصول و مبانی معماری و شهرسازی پایدار

اصول معماری و شهرسازی ایران - اسلامی	
مردم واری	- بهبود کیفیت زندگی و آسایش جسمی و روحی انسان و عدالت اجتماعی و اقتصادی. - ایجاد پدیده میدان به عنوان مهم ترین بخش از بافت منطقی و موفق شهرسازی هوشمندانه ایرانی، به منظور تماس مطبوع مردم شهر در اندازه و مکان مختلف. - استفاده از تناسب ها و حجم ها و کاربرد مصالح در کالبد معماری شهر، جهت ایجاد فضاهایی شادی آفرین و شکوهمند، نه برای سرکوب مردم و القاء حس ناچیز بودن و حقیر شمردن آنها. - تناسب مجموعه های مشترک معماری با بافت پیرامونشان.
پرهیز از بیهودگی	- طراحی فضا براساس نیازها و استفاده از فضاهای چند عملکردی و انعطاف پذیری فضا برای جلوگیری از اتلاف فضا، منابع، مصالح و انرژی. - ایجاد مکان های باز و میدان های وسیع در پیرامون و مرکز شهر و محله ها.
خودبسندگی (بوم آور)	- تامین نیازهای انسان بدون تصرف در منابع آیندگان با رویکرد بومی و محلی.
درون گرایی	- هماهنگی با طبیعت و استفاده از انرژی های آن و کاهش مصرف منابع تجدید ناپذیر. - پیوند بافت شهر و کالبد معماری آن با فضاهای سبز درون شهری - باغ شهر.
نیارش و پیمون	- استفاده از سیستم مدولار در طراحی و کاربرد سازه و مصالح پایدار و قابل بازیافت.

مأخذ: (اخوت، هانیه، ۱۳۸۹: ۳۶)

شهر ایرانی - اسلامی تقریباً دارای سازمان ثابتی است، شکل گیری شهر بر مبنای وجود مراکز اصلی است که عملکردهای عمومی شهر را در خود دارد، راه هایی میان دروازه و میدان های شهری کشیده می شود که کارکردهای عمومی را سامان داده اند و در میان آنها، مسیرهای اصلی تبدیل به بازار شده و سرپوشیده می شود. سلسله مراتبی از راه ها، عناصر شهری همچون دروازه ها، بازار، میدان اصلی و کانون های دیگر را به هم پیوند می دهند. بدین ترتیب شهر ایرانی، دارای استخوان بندی مشخص و کانون های تعریف شده است که به تناسب اهمیت خود نسبت به محورهای اصلی شهر مکان یابی شده اند. سازمان شهر مبتنی بر شکل گیری محلات مستقل در حد رفع نیازهای معیشتی با ارتباط های فرهنگی قومی می باشد. هر محله با نظامی کوچکتر و مشابه با نظام اصلی شهر، عملکرد خود را دارد و توسعه شهر به صورت ایجاد محله های جدید مستقل است و نه بزرگ شدن محلات قدیم. در نتیجه ساکنان شهر پیوسته خود را در محیطی آشنا احساس می کنند که دارای اندازه هایی متناسب با مقیاس دید و حرکات انسان است. ضمن آنکه ارتباط خود با سایر نقاط شهر را نیز از طریق تصور سازمان شهر و نسبت خود با آن ادراک می کنند. استفاده از عناصر طبیعت، آب، باد، نور و درختان در حیاط ها و میدان ها و فضاهای شهری که تا حدود زیادی تحت تاثیر شرایط اقلیمی و فرهنگی است، در افزایش کیفیت فضاهای شهری و تنوع فضایی و ایجاد رنگهای متنوع و شادابی محیط زیست نیز بسیار موثر بوده است. به این ترتیب با الهام از شهرهای سنتی ایران و با ایجاد رابطه معقول و پایدار میان انسان، شهر و طبیعت، که تعبیر دیگر از مفهوم جهانی توسعه پایدار است، می توان رابطه گسسته انسان و طبیعت را بازسازی کرد.

به طور کلی، شهرهای کهن ایرانی - اسلامی با برقراری پیوند کالبدی و فضایی میان مولفه های اقتصادی، اجتماعی، اداری، فرهنگی و زیست محیطی، نظامی یکپارچه و پایدار را تشکیل داده اند. برخی از ویژگی های این شهرها جهت دستیابی به شهر پایدار به شرح زیر است:

- انسجام شهری و تشکیل مجموعه واحد و منسجم.
- رعایت سلسله مراتب شهری به سه دسته عمومی، نیمه عمومی و خصوصی.
- ساختار گروهی و اجتماعی محله ها در کنار ابعاد اقتصادی و مذهبی و برقراری امنیت و هویت اجتماعی.
- مطابقت ساختار کالبدی با اقلیم محیط و عوارض طبیعی زمین و ارزش گذاری نسبت به عناصر طبیعت.
- شکل گیری فضاهای شهری در میان فضاهای پیوسته واحدهای مسکونی محصور (حیاط دار) با رعایت سلسله مراتب دسترسی، نظام اجتماعی و حریم خصوصی.
- انسجام کالبدی و فضایی بازار و جامعه با یکدیگر و با مراکز مهم اقتصادی، اداری و فرهنگی شهر (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۶).

## ۹- مقایسه معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی با معماری و شهرسازی مدرن



معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی با معماری و شهرسازی مدرن امروزی تفاوت های بارزی دارد که در جدول زیر خصوصیات این دو نوع معماری نشان داده شده است:

جدول (۶): مقایسه معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی با معماری و شهرسازی مدرن

موضوع	تمایزها	نقاط مشترک
معماری ایرانی- اسلامی	۱- رونگرا ۲- متناسب با آب و هوا ۳- سازنده(معمار) در طرح دیده نمی شود. ۴- اندازه بنا بر درک و منزلت آن اثر گذار است(مسکونی) ۵- در خدمت انسان است.	- سادگی و استفاده از شکل های اصیل و قابل درک. - انسان محوری. - توجه خاص به ایستایی بناها. - تاکید و گسترش فضا و کم کردن حجم. - شفافیت و محوریت بنا براساس نیاز انسانی.
معماری و شهرسازی مدرن	۱- رونگرایی یا برونگرایی در این معماری واجد اهمیت چندانی نیست. ۲- گاهی با اقلیم مناسبت ندارد. ۳- طرح به نوعی معرف است. ۴- بزرگی بنا چندان در درک و منزلت بنا امیت ندارد. ۵- بیشتر نماد گرا است.	

مأخذ: (زنده دل و درستان، ۱۳۹۲)

### ۱۰- نتیجه گیری

هنر معمار ایران در طول تاریخ از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است این هنر بیان کننده نحوه اندیشه جهان بینی، باورها و اعتقادات مذهبی و سنتهای مردمان این سرزمین است. معماران ایران با توجه به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی این سرزمین پهناور در ابداعات و نوع آوری راه ترقی را بیپرده و در ایجاد انواع برشها، طاقها، ایوانها، طاقنماها، محرابها، مناره ها و تزئینات گوناگون بنا در عصر و دوره ای شاهکار های فراوانی بوجود آورده اند که مساجد از جایگاه والایی برخوردار بوده اند. ریشه معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی از فرهنگ و مذهب ایران و اسلام است، در کالبد و محتوا دارای منطق کارکردی بوده و در آن تقلید و اصول معماری و شهرسازی بیگانه نقشی بسیار کم رنگ داشته است. معماری و شهرسازی ایران- اسلامی به گونه ای است که با طبیعت هماهنگ بوده و برای ساخت و ساز از مصالح بومی در آن استفاده می شده است. شهرهای آن مطابق نیازهای اقلیمی شکل می گرفته و عدالت اجتماعی در آن برقرار بوده است که از ملزومات توسعه پایدار است و توسعه شهری زمانی پایدار خواهد بود که عدالت اجتماعی در آن تحقق یافته باشد. در یک جمع بندی می توان به این نتیجه رسید که معماری و شهرسازی اصیل ایرانی- اسلامی بر پایه نیازهای فرد، خلاقیت و تکنولوژی و ارابه فضا و پیدایش فرم شکل می گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق و بررسی تمایز بین معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی با معماری و شهرسازی مدرن امروزی نشان می دهد که معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی و اصول و معیار های حاکم بر آن با ویژگی ها و مشخصه های توسعه پایدار شهری همخوانی داشته و پایداری در آن بیش از معماری و شهرسازی مدرنی است که امروزه بر شهرهای ایران حاکم شده است بنابراین پاسخ سوال مبنی بر وجود همخوانی معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی با معیارهای توسعه پایدار شهری مورد تأیید قرار می گیرد.

### منابع و مأخذ

- ۱- اخوت، هانیه و همکاران ( ۱۳۸۹)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات هله.
- ۲- بحرینی، سید محسن (۱۳۸۷)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۳- پیرنیا، محمدکریم، تدوین غلامحسین معماریان(۱۳۸۳)، سبک شناسی معماری ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش دانش.
- ۴- حبیبی، سید محسن (۱۳۹۰)، از شار تا شهر، چاپ دهم، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- رضوی پور، مریم سادات و همکاران (۱۳۹۱)، هویت ایران اسلامی شهر تهران در گذر زمان، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳ سال سیزدهم.
- ۶- زنده دل، کیومرث، درستان، رضا (۱۳۹۲)، بررسی و ارزیابی گوتته برداری های پیشگامان معماری جدید از مفهوم های معماری اسلامی- ایرانی با هدف تبیین الگوهای معماری، فصلنامه های پژوهشگران شهر، سال چهارم، شماره نهم، تابستان.
- ۷- کریم، راب (۱۳۸۶)، فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، چاپ دوم، تهران نشر خاک.
- ۸- نجم الدین، بemat (۱۳۸۱)، شهراسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- ۹- خسروی، غلام رضا، ویژگی های شهر اسلامی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- ۱۰- وثوق، بهزاد، پشوتنی زاده (۱۳۸۸)، مفاهیم سکونت در آیات و روایت اسلامی.